

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد      بدین بوم وېر زنده یک تن مېباد  
همه سر به سر تن به کشتن د هیم      از آن به که کشور به دشمن د هیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

فرستنده : ش. حمید

۲۹ اگست ۲۰۱۳

شعر از "چاووش"

## شعرهای مقاومت از مجموعه "سرود ابدیت" (پنجم)

### طلوع بیداری

اهداء به (ن. پ.)

هنوز میبینم  
کز آفتابِ نگاهت به برکه های افق  
طلوع سرخ شفق  
درون دیده شبسوزِ زندگی جاری ست  
در آسمانِ سحر  
در غروبِ اخترها  
به پیشوازِ بلوغ سپیده می آئی  
به گاه آمدنِ تو، زبانِ زنبقها  
ز گاهنامه شب مصرعِ شهادت را  
درود میخوانند  
تو از دیارِ شفقزار صبح می آئی

نگاه روشن چشمت طلوع بیداری ست

\*\*\*\*\*

شبی که یاد تو ای یار! همنشینم بود

صدای پای تو در کوچه باغها پیچید

سپیده سحر از شوق بازیابی تو

به اشتیاق تو آمد به لحظه دیدار

به پیشواز تو آمد به دیده بیدار

\*\*\*\*\*

تو در گذرگاهان

درنگ کردی،

و در زدی به خانه دل

دلم به سینه تنید از صدای در زدنت

حریم خانه دل در گشوده بر ره تو

چراغ زندگی افروختم به آمدنت

\*\*\*\*\*

شبی که یاد تو در خانه دلم در زد

درون لحظه دیدار ما به هم بودیم

من از ورای حریر لطیف شبنمها

نگاه میکردم

حریر آبی شبنمها

از آن دو چشم شب افروزت

بسان دانه الماس پُر درخشش بود

نگاه میکردم

چراغ عشق تو در ذهن لاله روشن بود

و شوق دیدارت

تمام شبزدگان را ز خواب افیونی

به خویش می آورد

\*\*\*\*\*

صدایِ گرمِ تو گلبنگِ ره گشودن را

به گوشِ شعرِ سرود

صفیرِ غلغله ات از دلِ ابد بگذشت

و آسمان

که تنگنایِ حبابی ست،

در برابرِ تو

ز جویبارِ لبانت پدید می آید

به بانگِ جاریِ شعرت

به خویش میترکید

شب از صفیرِ تو بیدار میشوم از خواب

صدایِ گرم و رفیقانه تو در گوشم

صفایِ زندگی و رسمِ پاکبازی را

پیام می آرد

به عمقِ بیشه پندارهایِ مغشوشم

چراغِ خاطره ات نفخِ نور میبارد

\*\*\*\*\*

تو با نگاهِ خود آفاق میکنی روشن

و من

در آفتابِ نگاهِ تو راه میپویم

بتاب، خورشیدم

و آسمانِ سیاهم را

به روشنائیِ چشمانِ خود چراغان کن

شبانِ مُظلمِ دیجور، نورباران کن!!!!

(27.7.1360)